دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال دوازدهم/ شماره ۱۹/ بهار و تابستان ۱۴۰۰

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
Eleventh Year12 ،No19,Spring & Summer 2021

تحلیل و ارزیابی روایات تربیع آیات قرآن کریم

□ محمد عارف کاشفی *

چکیده

حضور اهل بیت پیامبر(ص) در قرآن پدیده‌ایست که از سال‌هاي آغازین اسلام مطرح بوده است. در این میان در آثار رسیده از اهل بیت (ع) و صحابه نظیر ابن عباس، روایاتي نقل شده است که از کمیت آیات مربوط به اهل بیت(ع) سخن رانده است. مضمون این روایات ارتباط یک چهارم آیات کتاب خداوند به مناقب معصومین(ع) مي باشد (تربیع). این روایات، از یک سو، مغفول محققین امامیه و حتی مورد بی‌مهری برخی از آنها قرار گرفته است. واز دیگر سو، موجب شبهات از سوی مخالفین به باورهای شیعیان واقع شده است. ضرورت این پژوهش در همین مسئله نهفته است. بنابر این، در این تحقیق به بررسی سندی و مفهوم شناسی این روایات پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: بطن، تاویل، جری، تربیع، روایات تربیع.

---

* دانش آموخته دکترای علوم قرآن، جامعةالمصطفی ﷺ العالمیة

مقدمه

قرآن کریم سند جاوید رسول اعظم(ص) است. معارف بي‌مانند آن، اصول اساسي هدايت و نجات بشريت را تشكيل مي دهد. یکی از این اصول اساسی، حضور اهل بیت(ع)، پیشوایی و مناقب آنان در قرآن است. نگاه قرآن به اهل بیت(ع) و ارتباطِ بخشی از آیات الهی به منقبت آنان، یکی از آموزه‌های مسلَم و پذیرفته شده قرآنی در نزد فِرق اسلامی است. روایات نقل شده در متون حدیثی فریقین در بیان منشهای الهی آنان، بیانگر این امر است. بر اساس روایات، آیات فراوانی به اهل بیت(ع) تفسیر شده است. بلکه حضور اهل بیت(ع)، در قرآن از همان سال‌هاي نخستين ظهور اسلام مطرح بوده است. تاليف آثار فراواني در همين موضوع به قلم نويسندگان شيعي و سني، گواهی بر این حقیقت است. در این میان، از اهل بیت (ع) و صحابه نظیر ابن عباس، روایاتی نقل شده است که از کمیت آیات مربوط به معصومین(ع) سخن به میان آمده است. که بخش از این موضوع در قالب روایات تربیع، (الايات النازل في مدح اهل البيت (ع) و...) منعکس شده است. مضمون این روایات اختصاص یا ارتباط یک چهارم آیات کتاب خداوند به امامت و فضایل پیامبر(ص) واهل بیت(ع) مي‌باشد. در مورد سند و مفاد این روایات، تا کنون هیچ گونه پژوهشی انجام نشده است مگر در حد یک صفحه یا کمتر از آن، بلکه مورد بي‌مهري برخي از محققان قرار گرفته است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به همین مسئله، ضرورت پژوهش در این موضوع روشن مي‌شود. و اینکه آیا این گونه روایات مبناي صحيحي دارد؟ سند آنها از اتقان برخوردار است؟ مفاد این روایات چیست؟

در این نوشتار به پاسخ تفصیلی سوالات فوق، می پردازیم.

درآمد:

تحلیل و ارزیابی صحیح از این روایات، نیازمند نگاه کوتاه به برخی از اصطلاحات علوم قرآنی همانند بطن، تاویل، جری و تطبیق است. بر همین اساس، به توضیح فشرده این مقولات

پرداخته می‌شود.

اصل وجود بطون براي آيات، بر اساس «عقل»، «قرآن» (آيت الله جوادي آملي، تسنيم ج ۱ص۳۵، کیهان اندیشه، ش ۳۹ سال۱۳۷۰ ش، فتح الله نجارزادگان، تفسیر تطبیقی،ص ۵۵-۵٤، ، ،علی اکبر بابایی معرفت،ش٦، هادي رستگارمقدم، روش فهم متن،ص۱۸،اسعدي و همکاران، آسيب‌شناسي جريان‌هاي تفسيري، ص ۳۱، محمدکاظم شاکر،روشهای تأویل قرآن، ص۱۰۷، ذهبی، التفسير و المفسرون ج۲، ص۳۵۳، آلوسی، روح المعاني، ج ۱، ص ۸) و «سنت» (عياشی، کتاب التفسير، ج۱، ص: ۱۲، بحرانی، البرهان، ج۱، ص۲۷۰، سليم بن قيس، اسرار آل محمد (ص) ص۱۹۵، سيوطي، الاتقان ج۲، ص ٤٦٦، آلوسی، روح المعاني، ج۱، ص: ۸.، صحيح ابن حبان، بترتيب ابن بلبلان، ج۱ ص ۲۷٦ح ۷۵ به نقل از نجار زادگان بررسي تطبيقي مباني تفسيرص٦۳، علي اکبر بابايي، معرفت شماره ۲٦، کلانتري، قبسات، شماره ۲۹ ، ازص ۲٤۹ تا ۲٦٦.) در نزد فریقین پذیرفته شده است. هر چند دلیل اصلی باطن، که روایات باشد، از نظر سند همسان نیستند اما در حدی از کثرت نقل شده اند که قابل انکار نیستند.

مفهوم شناسی:

بطن در لغت، به نهان هرچيز، خلاف ظهر و آشکار، داراي اصل واحد، هر امر غامض و پيچيده، جوف، درون و شکم هر چيز معنا شده است. (فراهیدی، العين، ج ۷ ص ٤٤۰، ابن فارس، معجم مقاييس اللغه ج ۱ ص ۲۵۹.، راغب اصفهانی، المفردات في غريب القرآن، ص ۱۳۵، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳ص ۵۲، فيومي، مصباح المنير، ص ۵۲، فيروز آبادي، القاموس المحيط، ج ٤ ص ۲۰۲.) نتيجه اينکه اصل معناي بطن، همان عضوي از بدن است. سپس به هر امري پوشيده و پنهان اعم از معاني و مصاديق اطلاق مي گردد.

بطن در اصطلاح، به معانی نهانی که در دو قالب عرفی، فراعرفی و در عرض هم قرار دارند (دکتر فتح الله نجارزادگان، بررسي تطبيقي مباني تفسير قرآن، ص٥٤، ۵۵، ٦٦، علي اکبر بابايي، علوم حديث، ۱۳۸۵ش-ش ٤۲،) معانی و مصادیقی نهانی نسبی که در طول هم قرار دارند، (ر.ک. محمد حسين طباطبايي، الميزان في تفسير القرآن، ج۳، ص ۷۳ و ۷٤ ، قرآن در

اسلام، ص۲۷، ۲۸، ۳۵، ۳٦،) معنای دوم کلام و مفهوم عام فراگیری که از فحوای آیات استنباط و به موارد مشابه قابل انطباق، در طول روزگار، تأویل پذیرند، و...تعریف شده است. (معرفت، التفسير الاثري ، ج ۱، ص ۳٤، التمهيد ج۳، ص ۳۱، التفسير و المفسرون في ثوبه القشيب، ج۱، ص۲۵، ج ۲، ص ۵۲۷.)

دیدگاه مختار: مراد از بطن، معاني و مصاديق نهاني آيات قرآن كريم است اعم از عرضي و طولي در دو قالب عرفي و فراعرفی.

واژه بطن و مشتقات آن در قرآن به معناي اصطلاحي آن، به كار نرفته است. بطن در روايات به معاني علم، عمق و ژرفا، (ر.ک. كلينی، الكافي اسلاميه ج ۲ ص ۵۹۹، فضل الله راوندی، النوادر ص ۱٤۳ ح ۱۹۷، شريف الرضی، نهج البلاغة ، ص ٦۲، طريحی، مجمع البحرين، ج۳، ص۳۹۱، ميرزا حبيب الله هاشمی خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۳ ص ۲٤۰، نعمان بن محمد مغربی ، دعائم الإسلام، ج۱، ص۵۳، شريف رضي، نهج البلاغه خطبه ۱۹۸،) وجود ذهني آن، در مقابل بطن از سنخ وجود خارجي بمعني مفهومِ تحقق يافته در خارج، به معناي تاويل و از سنخ وجود آمده است. (ر.ک. دكتر فتح الله نجارزادگان، بررسي تطبيقي مباني تفسير قرآن، ص،٦٦، بابايی، چيستی باطن قرآن كريم از منظر روايات (۱) علوم حديث ش٤۲، باطن قرآن كريم، معرفت، ش ٦، مكاتب تفسيری، ج۲، بابايي، شاكر و مصطفي كريمي، باطن و تاويل قرآن، ، صفار، بصائر الدرجات ج۱، ص۱۹٦، فيض كاشانی، تفسير الصافي، ج۱، ص۲۹،حر عاملی، وسائل الشيعة، ج۲۷ ص۱۹٦، حسين نوری، مستدرك الوسائل، ج۱۷ ، ص۳۳۱، كلينی،كافی، ج۳، ص: ۵۳٦،سيوطی،الدرالمنثور ج۲،ص۷، ميبدی، كشف الأسرار ج۱ص۷۳۲.)

تاويل درلغت، به معناي رجوع و بازگشت، تدبير، تقدير وتفسير است. (ر. ك. ابن منظور، لسان العرب، ج۱۱، ص، ۳۳.) و در اصطلاح به صَرف كلام از معناي ظاهر آن به معنايي محتمل، مترادف با تفسير و درتقابل با تفسير، به كار رفته است. (محمدبن جريرطبری،جامع البيان، ج۱، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ٤۱و...محمد حمّاد، نظرية المعنى بين الشرح و التفسير و التأويل ص۱٤۲.) در آثار اهل بيت (ع)، تاويل به معانی تفسير، در برابر تفسير، به معناي تطبيق و

به معنای باطنی آیات به کار رفته است. (كليني، الكافي، الحديثة ج۱، ۱٤۱، ۲۱۳، ج۱٤ص۷۲۱، سیدرضی، نهج البلاغة،ص ۱۲۵، ۲۰۸ ، ٤٤٦،مكارم شيرازي، پیام امام امیرالمؤمنین(ع)، ج۵، ص، ۷۲۲ ، شاكر، روشهاي تاويل قرآن.ص ۷۷.، بحرانی، البرهان ج۱، ص: ٤۲، المتقي الهندي كنز العمال ج۱۰، ص۱۷٦، الحاكم، المستدرك، ج۳، ص۱٤۹، الطبراني، مسند الشاميين ج۱، ص۳٤٤.المناوي فيض القدير ج٦, ص٥۱٤، ابراهيم ثقفي، الغارات أوالإستنفار و الغارات، ج۱،ص۱۱۸، شیخ صدوق، كمال الدين ص٦٤۹، كنز الدقائق ج ۲ ص ۱۹۷، نور الثقلين ج ۱ص ۱٤۲،بحراني البرهان ۱ص ۱٦۷، محمد بن ابراهيم، الغيبة(للنعماني)، ص۲۵۰، بحارالانوار ج۲ ص ۲۳۰ج ۵۲ ص ۲۰۲، بابايي، باطن قرآن مجله معرفت، شماره ٦، كليني،كافي ج۱ص٦٤، احمدی میانجی، مكاتيب الرسول (ص)، ج۱،ص٤۱۰، هاشمی خویی، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة و تكملة منهاج البراعة،حسن زاده آملی و محمد باقركوه كمره ای، ج۱۲ ص۲۲. طه حسين، الفتنه الكبرى، علي و بنوه،ص۷۷. شيخ صدوق،علل الشرائع، ج۲ ص ۵۹۸. مجلسي،روضة المتقين ج۱۲ ص ۲۰٤، كلينی، اسلاميه ج۱ ص ٦٤.)

اين واژه در قرآن، يا از مقوله معنا و يا از مقوله امور خارجی دانسته شده است. قائلين نظريه اول، مراد مراد از تأويل قرآن را، مقصود خداوند از آيات، يا معنای خلاف ظاهر آيات يا معانی باطنی آن دانسته اند. (عبدالجليل، التاويل عندالغزالي، ص ۱۹، ماتريدي، تاويلات اهل السنه،ص٦،سيوطي، الاتقان ج ۲ ص۱۷۳، بحوث فی اصول التفسير و مناهجه،ص۹، الاكسير فی علم التفسير،ص۲. ابوالفرج بغدادي، زاد المسير ج ۱ ص ٤، ابن تيميه، مقدمة في اصول التفسير، ص ۱۱، فيروز آبادی، القاموس، باب الراء، لسان العرب، ماده فسر.محمدصديق حسن خان، فتح البيان،ج۱ص۱۲، علی بغدادی، تفسير خازن، ج۱ص۱۰،آملی،المحيط الاعظم،ج۱ص۲۳٤،و۳۰۲،مقدمة فی اصول التفسير،ص۸ ، ۹، و ۳۸ ،محمود حسنی،دقائق التأويل،ص۲۲.) طرفداران نظريه دوم، نيزدو ديدگاه متفاوت دارند. برخی از آنها تاويل را تحقق عيني، حقايق ومصاديق خارجي آيات ونفس وقوع مخبربه، دانسته (ر.ك. ابن تيميه، مجموعه فتاوي ج۱، ص ۲٤۱، ج۱۷، ص ٤۰۰ - ٤۱۹.) و ديدگاه ديگر بدين باور است كه مراد از آن، حقايق خارجی است كه منشاء به وجود آمدن قرآن گرديده و تمام معارف اين كتاب الهی مستند

به آن است. (ر. ک: علامه سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج۳، ص۲٤، ۲۵، ۲۷، ،٤۹،٤۸، ۵۲، ۵٤ ، ۵۵، ٦٤، ٦۹،) یکی از مباحث تأویل، ویژه متشابهات قرآن است. موارد متشابه آیات (نظیر آیات طه، ۵و ۱۲۱، فتح۱۰، طور٤۸، توبه٦۷، آل عمران،۸، ٦۰ و ۱٤۲، زخرف۵۵، قیامت۲۲ و ۲۳، اسراء۱٦،انعام۷٦، ۷۸ و۱۲۵،صافات۹٦، تکویر۲۹، هود ٤٦ و ٤۷،قصص۱۵، ۱٦ و ۱۷،توبه٤۳ نساء۱۷۱، نجم۱۰۸،بقره ۱٤۲ تا ۱٤۹و۷۹،مائده۳۸ و...) ازمصادیق معانی باطنی شمرده می شود. (ر. ك.محمد الزرقانی، مناهل العرفان، ج۲، ص۱۷٤، سیوطي الإتقان ج۱ص۵۹۹، اسعدي، پژوهشي در محکم و متشابه۹٤- ۱۰۲.)

اصطلاح سودمند دیگر در ارزیابی روایات تربیع، قاعده جري و تطبیق است. جَرْي در لغت، به معناي جریان وحرکت سریع مانند حرکت آب آمده است. تطبیق ازطَبَق به معناي قرار گرفتن چیزي روي چیزي دیگرکه هم اندازه ي هم اند،می باشد. (حسین راغب اصفهانی، المفردات في غریب القرآن، ص ۵۱٦. ابن منظورمحمد بن مکرم، لسان العرب، ج۱۰، ص: ۲۰۹) این واژه به معناي پوشش، پرده فراگیروهمه جانبه براي یك چیز، است. این قاعده، داراي مباني علمي بوده است. (ر.ک.شادي نفیسي، مباني جري و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایي(ره) دوفصلنامه علمي- پژوهشي قرآن شناخت، ش۱۲.) دراین قاعده، سیاق وشأن نزول آیه لحاظ نمي‌شود. از این قاعده، به تعابیر نظیر «الجري، التطبیق، الانطباق و...»یاد شده است. (ر.ک.المیزان، ج ۱ ص ٤۲ ، ج ۲ ص ۳٤۷ ، ج۵ ص ۱٤۷، ج ۷ ص ۱۱۱، ، ج ۱ ص ۳۹۲، ج ۷ ص ۳۸٤، ج ۵ ص ۳۳۳، و...) حقیقت آن، عبارت است از: تطبیق دادن آیه بر مصادیق آن که علاوه بر«وجودعیني خارجي»، شامل مفاهیم فراگیري که مفاهیم کلي دیگري را، دربرمي گیرد، نیزمي شود. از باب نمونه، انطباق «الذین آمنو»، بر مومنان غیر زمان نزول، از نوع تطبیق بر وجود عیني است.اما انطباق واژه جهاد، بر رزم و نیز جهاد با نفس، یک مفهوم شامل است که مفاهیم دیگررا نیزشامل می شود. (ر.ک. شادي نفسیي، مباني جري از دیدگاه علامه طباطبایي، قرآن شناخت ش ۱۲.) این که گفته می شود، عموم آیات به قوت خود باقیست (ابن تَیمیه،الحراني، مقدمه في اصول التفسیرص ۷۱-۷۲. سیوطي، الإتقان في علوم القرآن، ج۱، ص: ۱۲٤) به همین قاعده، برگشت دارد. بامرور براین سه اصطلاح، به بررسی سندی ومفهومی روایات ربع، پرداخته

می شود.

متن روایات «ربع» در منابع مذاهب اسلامی

تربيع در لغت به معاني چيزي را چهارسو ساختن، چهارگوشه كردن چيزي را، چهارگوشه ساختن چيزي را، مربع ساختن خانه يا حوض را، آمده است. (غلامرضا ستوده ، فرهنگ متوسط دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ش، ط۱، ج۱ ، ص ۷۲۱،) مراد از آن در اين نوشتار، تقسيم بندي آموزه هاي قرآن كريم به چهار قسمت مي باشد. اين احاديث، در منابع روايي اماميه، زيديه و اهل تسنن، وجود دارد.

اين روايات با سندهای مختلف نقل شده است. مرحوم كليني بدين گونه نقل نموده: أَبُوعَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ(ع) قال: نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَعَةَ أَرْبَاعٍ رُبُعٌ فِينَا وَ رُبُعٌ فِي عَدُوِّنَا وَ رُبُعٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ وَ رُبُعٌ فَرَائِضُ وَ أَحْكَامٌ. (محمد بن يعقوب كليني، الكافي (ط - الإسلامية) ، ج۲ ، ص٦٢٨ .) قرآن برچهار بخش نازل گرديده است، يك چهارم درباره ما و يك چهارم درباره دشمن ما و يك چهارم سنن و امثال و يك چهارم فرائض و احكام است.

بااسناد ديگر (عياشى،تفسيرعيّاشي،ج۱ص۹،مرزبانى،مناجات الهيات حضرت أمير(ع)ومانزل من القرآن في عليّ(ع)،مفيد، مسائل سروية،ص۸۰) در مصادر زيديه و اسماعيليه. (ر.ك. تفسير فرات، ص ٤٦،و٤٧، حسين حبرى،تفسير الحبرى، ص۲۳۳، و ٥٧٦. نعمان مغربي ، شرح الاخبار، ص٤٧ ، عبدالله الشرفي، المصابيح الساطعة الأنوار ص ۱۳۳، احمد السياغي، المنهج المنير تمام الروض النضير ص ۱۹۱.المؤيدي، لوامع الأنوار،ص١٠٤. عبدالله العنسي،الرسالةالبديعة المعلنة بفضائل الشيعة، ج۱ص۹۷.) و منابع اهل سنت ()عبيد الله حسكانى، شواهد التنزيل ج ۱ ص٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٢، ابن مغازلي، مناقب الامام علي بن ابي طالب عليه السلام،ص۲۷۰.

نيز نقل شده است. در متون روايى فريقين، قراين و شواهدى بر صدور روايات«ربع» وجود دارد. يكى از اين شواهد، روايات همسوبا روايات ربع است. در منابع روايى مذاهب اسلامى،

روايات فراوان با طرق متعدد مبني بر نزول آيات فراوان در مدح اهل بيت(ع) بخصوص امير المومنين علي (ع) ، نقل شده است. برخي از اين روايات، عبارتند از : ...ما من آية تقود الي الجنّة و يذكر اهلها بخير الا و هي فينا و في شيعتنا... (محمد بن يعقوب كليني، الكافي (ط - الإسلامية) ، ج۸ ، ص۳۳) إذا سمعت الله ذكر أحدا من هذه الأمة بخير فنحن هم ... (محمد بن مسعود عياشى، كتاب التفسير، چاپخانه علميه - تهران، ۱۳۸۰ ق. ج۱ ص ۱۳.) ما نزل فى احد من كتاب اللّه ما نزل في عليّ (ع)؛ (الحسكانى، شواهد التنزيل، ج ۱، ص ٤٤- ٤٥.) نزلت فى علىّ سبعون آية لم يشركه فيها احد: (حبرى، تفسير الحبري، ص: ١٦٣) ما انزل اللّه آية فى القرآن الّا علىٌ (ع) رأسُها: (تفسير الصراط المستقيم، ج۲، ص: ۲۱۳) ما أنزل الله يا أيها الذين آمنوا إلا و عليٌ (ع)أميرُها و شرُيفها ولقد عاتب الله أصحاب محمد في غير مكان و ما ذكر عليا إلا بخير. (ابن حنبل،فضائل الصحابةص٦٥٤،تفسيرأبي حاتم ج۳ص١٠٦،الهيثمى،الصواعق المحرقةج۲ص۳۷۳،سيوطي،تاريخ الخلفاء،ج۱ص۱۵۰.) علي ع،: من اراد ان يعرف حالنا و حال اعدائنا فليقرء سورة محمد فانه يراها آية فينا و آية فيهم؛ (الدر المنثور، ج٦، ص ٤٦، روح المعاني ج۱۳، ص ۱۹٤، مجمع البيان، ج۹، ص: ١٤٥، تفسير الصافي، ج٥، ص: ٢٢. تفسير الحبرى ص۳٤۰.) و اللّه ما جرّت المواسي على رجل من قريش الّا نزل فيه آية أو آيتان؛... (تفسير الحبرى ص۳٤۰.) و لا أحد ممن مرت على رأسه المواسي من قريش إلا و قد أنزلت فيه آية من كتاب الله، تسوقه إلى الجنة أو النار؛ (بحرانى، البرهان، ج۳، ص: ۹۱، تفسير الحبري، ص: ۲۷۸، تفسير فرات الكوفي، ص: ۱۸۸، تفسير كنز الدقائق ، ج٦، ص: ١٤٠ ، نور الثقلين، ج۲، ص: ٣٤٥، ابو المحاسن جرجانى ، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، ج٤، ص: ۲۲۸، ثعلبى، الكشف و البيان، ج٥، ص: ١٦٢.) روايات ديگر با اين مضامين، فراوان نقل شده است. (ر.ک. قندوزى، ينابيع المودة ص١٢٦، قياس الدين، حبيب السير، ج ۲، ص ۱۳. برقى، المحاسن، ج۱، ص١٥٤، ابن عساكر، تاريخ مدينة دمشق، ج٤٢ ص ٣٦٤، السيوطي، تاريخ الخلفاء، ص ۱۷۱، ۱۷۲، خطيب بغدادي تاريخ بغداد، ج ٦ ، ص ٢٢١،السيرة النبويّة ، زيني دحلان بهامش السيرة الحلبيّة ، ج۲ ، ص۱۱، هيثمي، الصواعق المحرقة، ص٧٦، ١٢٥و١٢٧ و ١٩٦،ابن عساكر، ترجمة الامام على ع، ج ۲، ص ٤٢٨، طبرانى، المعجم الكبير، ج ۱۱، رقم

۱۱٦۸۷، خوارزمی، المناقب، ص ۱۷۹ ، محمد بن سلیمان الکوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،، ج ۱، رقم ٦۷ و ۸۱، نسائی، خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب،ص ۱٦٦.) طبق این روایات، نزول، تفسیر و تاویل بخشی از قرآن کریم در مورد اهل بیت(ع)، از مسلمات بوده است. بر همین اساس، این روایات، همسو با روایات «ربع» شمرده می شود.

در نهج البلاغه به جایگاه قرآنی اهل بیت(ع) پرداخته شده است. از جمله اینکه:... فِيهِمْ كَرَائِمُ الْقُرْآنِ، (محمد بن حسين، شريف الرضى، نهج البلاغة (للصبحي صالح)،ص ۲۱۵.) : ...آیاتی که در قرآن بیانگر" ارزشها، در مدح و منقبت علم و هدایت، وصف اهل علم و ایمان است، در حق اهل بیت است. (ترجمه‌نهج‌البلاغه (انصاریان)،) عبارت «فیهم کرائم القرآن» به «فیهم آیات کریمة»، اهل بیت (ع) مصداق آیات کریمه قرآن هستند، ترجمه شده است. (حامد پور رستمي، تجلي مرتبت اهل بيت(ع)در قرآن در آينه نهج البلاغه، مطالعات تفسيري، (نشريه علمي-پژوهشي) ش ۳.) پس اهل بیت (ع) مصداق اتم آیاتي است که در وصف مومنین آمده است. با این توضیح همسو بودن این عبارت نوراني علي(ع)، با روایات ربع روشن مي گردد. زیرا طبق این بیان، نزول، تفسیر، جری و تطبیق بخشی از قرآن، در وصف، مدح و جایگاه اهل بیت(ع) قطعی است. علی (ع) در مورد دیگر در باره اهل بیت(ع) فرمود:...فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ: (محمد بن حسين، شريف الرضى، نهج البلاغة (للصبحي صالح)،همان ص ۱۲۰.) پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید. این جمله، بیان گر اوصاف قرآني اهل بيت(ع) است.(محمد تقي شوشتري، بهج الصباغة في شرح نهج البلاغة، ج ۳ ص ۵۰۸) با این بیان، همسو بودن این فقره از خطبه امیر مومنان(ع)، نیزبا روایات ربع، روشن مي شود. آن حضرت در مقام دیگر فرمودند: و إنّي لمن قوم لا تأخذهم في اللّه لومة لائم، سيماهم سيما الصدّيقين، وكلامهم كلام الأبرار، ...(محمد بن حسين، شريف الرضى، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ۳۰۰ و ۳۰۱): و من از مردمانی هستم که در راه خدا سرزنشِ سرزنش گران و نکوهندگان آن ها را در برنمی گیرد؛ همان هایی که چهره هایشان چهره های راستگویان راست کردار است و گفتارشان گفتار نیکوکاران. طبق این کلام ارزشمند علی علیه السلام، اهل بیت(ع) از صدیقین، ابرار و...می باشند. قرآن کریم نیز از افرادی با این اوصاف مدح و ستایش نموده

است.درنتیجه آیاتی با این ویژگی ها، به اهل بیت(ع) قابل تفسیر،جری و تطبیق اند. شاهد دیگر بر صدور روایات ربع، احادیث آفرینش پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) از نور واحد است. (ر.ک. محب الدین طبری، الرياض النضرة في مناقب العشرة، ج۲، ص: ۱۲۰، گنجی شافعی، کفایة الطالب ص۲۲۰ و ۳۱۳.) لازمه آن، اشتراک پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در اوصاف و کمالات است. این اشتراک، از قول رسول الله(ص)که فرمودند: ربع قرآن، در مورد ما نازل شده است (ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، وزارت ارشاد اسلامی، ص: ۲۴۹.) نیز ثابت می شود. از جانب سوم، آیه مباهله و آیه تطهیر، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را از نظر اوصاف و ویژگی ها یکسان می شمرد. از مجموع این نکات، می توان چنین نتیجه گرفت، آیات بیان گر مناقب و فضایل پیامبر(ص)، نیز براهل بیت(ع) قابل جري و تطبیق است. شاهد دیگر صدور روایات ربع، اوصاف، فضایلی اند که در قرآن کریم برای انسان های شایسته، شمرده شده است. برخی از این اوصاف با عدد و ارقام عبارتند از: واژگان صابرین و مشتقات آن، ۱۰۳ بار، صالحین و مشتقات آن، ۱۸۰، عابدون و مشتقات آن، ۲۷۵،متقین، ۲۵۸، محسنین ۱۹۴، مخبتین ،۳، مفلحون، ٤٠، ساجدین ۹۲ ، مومنین ۸۷۹ ، ذکر شده است. قابل ذکر این که واژه «آمَنُوا»، به تنهايي ۲۵۷ مرتبه، ذکر شده است. واژه ابرار و مشتقات آن، ۳۲ بار، اسوه،۳ ، مجاهدین ٤١ بار، حنیف و حنفاء، ۱۲، خاشعین ۱۷، مخلصون ۳۱، أخیار، ۲ ، راکعون، ۱۳ به کار رفته است. واژگان مصلحین و مشتقات آن، ۱۸۰ مرتبه، شاكرينَ، ۷۵ ، الصادقون، ۱۵۵، مصلین ، ۹۸ ، مکرمین، ٤٧ بار، و... این عناوین و اوصاف به تعابیر و گونه هاي مختلف به کار رفته است. امامان معصوم(ع) با توجه به این که طبق آیه تطهیر (ر.ک. شیخ صدوق،الاعتقادات، ص ۹٦، أمالي المرتضى، ج۲، ص: ۳٤۷، شیخ طوسی، تلخيص الشافي، ج۱، ص: ۱٤۲، ج۲، ص۲۵۰، شیخ طوسی،الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد ص ۳۰۵، علامه حلی، أنوار الملكوت في شرح الياقوت ص ۲۰٤، تسليك النفس الى حظيرة القدس،ص ۲۰۱، فاضل مقداد،الاعتماد في شرح واجب الاعتقاد ص ٤٢، حر عاملی، إثبات الهداة ، ج۱ص ۹۷، جعفر مرتضي عاملي، اهل بيت در آيه تطهير، بابايي علي اكبر، پرسمان عصمت، سيد علي حسيني ميلاني نگاهي به آيه تطهير، محمدمهدي آصفي پژوهشي در آيه تطهير و...) و... مطهر، پاک و از هر گونه نقصان و

كاستي بدورند، مصداق اتم يا عام اين عناوين قرار مي گيرند. يكى از محكمات اماميه، زيارات است. اين زيارات در منابع معتبر با اسناد موثق نقل شده و متضمن معارف عاليه اى است كه مى تواند راهي براي كشف حضور اهل بيت(ع) در آيات قرآن باشد. از جمله آنها زيارت ارزشمند جامعه كبيره است. اين اثر ماندگار، در راستاي معرفي اهل بيت پيامبر اسلام و وارثان واقعي و حقيقي آن حضرت در قالب زيارت مي باشد. شارحين اين شناخت نامه، صدور آن از امام معصوم ع را ثابت و مسلم دانسته اند. (ر.ک.آيت الله محمدي ري شهري، احمد غلامعلي، شرح زيارت جامعه كبيره يا تفسير قرآن ناطق،دارالحديث، ط۱، صص ۲۸- ۲٦.) بلكه برخي ازشراح، علو متن، در صدور اين زيارت، از معصوم ع، را كافي دانسته اند. (آيت الله جوادي آملي ، ادب فناي مقربان ، ج ۱ ص ۸۸.) عالمان شيعى ()ر.ک. ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ج۲، ص: ٦۰۹، عيون أخبار الرضا(ع)،ج۲ ؛ ص۲۷۲، طوسى، تهذيب الأحكام ج٦ ؛ ص۹۵، محمد بن جعفر، ابن مشهدى، المزار الكبير، ص٥۲٤، كفعمى، البلد الأمين ص۲۹۷، محمدتقى مجلسى، روضة المتقين ج٥ ؛ ص٤٥۰. و سني آن را نقل نموده اند. (ابراهيم بن سعد الدين شافعى، فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم(ع)،ج۲ ص ۱۷۹.) در اين زيارت، حدود ۲٥۰ وصف كمال براي امامان ذكر شده است. (ر.ک. سيد مجتبي بحريني جامعه در حرم، صص ٤٤- ٤۲.) با اعتماد بر اين اوصاف قرآني، آيات زيادي از كلام الهي بر اهل بيت پيامبرص، قابل جري و تطبيق است. (آيت الله جوادي آملي ، ادب فناي مقربان، آيت الله محمدي ري شهري، ، شرح زيارت جامعه كبيره يا تفسير قرآن ناطق.)

اعتبار سنجی روایات تربیع:

يكي از شاخصه هاي اعتبار روايات، مدارک آنهاست. روايات ربع، در منابع معتبر مانند تفسير عياشي، اصول كافى، المسائل السَرَوِيَة مرحوم شيخ مفيدو... (محمد بن عمران، مرزبانى، مناجات الهيات حضرت أمير(ع)و ما نزل من القرآن في عليّ عليه السلام،ص٤۰،احمد بن موسى ابن مردويه اصفهانى، مناقب على بن ابى طالب (ع)، ص۲۱۸.) نقل شده است. روايت

كافي با سند فوق، از نظر علماي رجال، از احاديث صحيح شمرده شده است. (ر.ک. رجال‌النجاشي ۹۲، فهرست الطوسي ٦٥، الخلاصةللحلي ١٦، ١٤٣، رجال‌الطوسي ج١، ٤٠٢ ،و ٣٩٢، ٣٣٩، ٣٣١، رجال‌كشي ٥٠٩ و ٢٣٨، رجال کشی ج١ ص ٣٩٦. مرآه العقول ، ١٢ ، ٥١٨. خلاصة الاقوال، ج١ ص ٣٠٢و ٢٢٨، رجال ابن داود ج١ ص ٤٣،) روايان اين روايت در تفسير فرات، برخی شيعه و ثقه، شيعه و غير ثقه، بعض ديگر، مهمل و... (ذهبي الدار القطني به نقل از مريم قبادي ، تفسير فرات كوفي بازشناسي تفسير كهن شيعه، ص ٣٧٧ . رجال‌الطوسي، ١٧٧،خويي رجال‌الحديث ج٧ ص٢٨٨. فهرست طوسي ٨٨. ابن حجر به نقل از مريم قبادي همان،ص ٣٧٧ ، تستري به نقل از همان.) هستند. با توجه به اين كه نتيجه تابع اخص مقدمات است، روايت تفسير فرات، ضعيف شمرده می شود. زيرا ثقه بودن برخي از راويان، ناشناخته بودن برخي ديگر، و نيز ضعف بعض ازآنها، پذيرش آن را مشكل مي سازد. اما با توجه به اين كه اين روايت در كافي صحيح شمرده شده، مي توان ضعف روايت تفسير كوفي را قابل جبران دانست. خصوصا اگر عدم مخالفت محتوايي اين روايت با قرآن و روايات ديگر ثابت گردد. ذكر شدن اين روايت، در منابع فريقين و عدم نقد آن، به معناي قبول و صحيح دانستن آن اگر نباشد حد اقل قرينه بر تاييد آن مي تواند باشد. چنانكه قبلا گفته شد كه روايات صحيح، موثق و مسندِ همسو، با روايات ربع، وجود دارد. اين روايات، موجب جبران ضعف سند ربع خواهد بود. از اين رو، با توجه به قراين و شواهدی كه برای صدور اين روايات ذكر شد، تشكيک در صدور اين روايات، توجيه ناپذير است.

مفاد روايات تربيع:

مرور بر شروح و تعليقه ها بر اصول كافي، تک نگاري ها حديثي و برخي از تفاسير اثري، نشان می دهد كه مراد از ارباع، اجزا و حصص است هر چند كه اين جزها و حصه ها، از نظر كميت متفاوت باشند بناي اين گونه تقسيم بندی، بر تسويه حقيقيه و تفريق از جميع وجوه نيست. زيادتی برخي از اقسام بر بعض ديگر، يا نقصان آن، ايرادي را در پي ندارد، لذا به هر يک از بخش های قرآن، ربع اطلاق شده است. (ر . ک.ابن أبي جمهور، عوالي اللئالي، ج٢ ، ص٥، محمد

صالح المازندراني شرح الكافي، ج۱۱، ٦٢، تحفة الاولياء ٤ ،٦٧٣ .) در نتیجه، ربع بودن به معناي يک چهارم دقيق نيست بلكه معناي سه يا چهار بخشي بودن آيات است هر چند حجم يكي از اين سه بخش كمتر از دو بخش ديگر باشد. هرچند، در بخش بخش نمودن آيات، طبق بيان فوق، نقدی نيست، اما در عين حال از ادبيات به كار رفته در اين احاديث، معقول بودن اين گونه تقسيم بندی را می توان استفاده نمود. بدين بيان كه ضمائر متكلم به كار رفته در آنها (...فينا...) عام و دائره گسترده داشته كه علاوه بر اهل بيت ع، انبياء، كه از عصمت برخور دار بوده، اولياء كه از نظر سنخيت با اهل بيت ع سازگاري داشته، پيروان و دوستان آنان از اولين حتی كسانی كه قبل از خلقت ظاهري اهل بيت ع می زيستند و آخرين افراد كه تا برپايی قيامت آفريده می شوند را، شامل می شود. (فيض كاشانی، الوافي، ج۹،ص۱۷٦۹، تنكابنی، توشيح التفسيرص۲۱- ٢٤، محمدهادی معرفت، صيانة القرآن من التحريف،ص۲٤۱.) دليل اين گستردگي در وسعت تاريخ، همسانی و سنخيت در بينش، سيره رفتاری، گفتاری و منش های الهی آنان، هر چند با تفاوت در مراتب، در بعض موارد، می باشد. دليل الحاق غير معصوم به معصوم، همسويی آنان، بلكه متابعت آنان از معصومين(ع) است. (محمد هادی معرفت، صيانة القرآن من التحريف، همان، ص: ٢٤٢ - ٢٤١.) با اين نگاه، مراد از ربع قرآن، آياتی است كه به وصف انبياء، امامان معصوم(ع) اولياء و مومنين مرتبط می گردد. تفسير اين چنينی از اين روايات، دائره شمول اين بخش را وسيع و گسترده می نمايد.

اين كه برخی از پژوهشگران، مراد از اين روايات را تطبيق آيات بر اهل بيت(ع) از باب تطبيق كلي بر مصداق اتم، (آيت الله مكارم شيرازی، انوار الأصول ج۲، ص: ۳٤۰.) و يا با لحاظ معاني ظاهري و باطني قرآني كريم دانسته اند، (سيد محمد، حسينی فيروزآبادی، منتهى العناية في شرح الكفاية، ص۱٤۳.) نيز در واقع به كيفيت حضور اهل بيت(ع) در قرآن، اشاره دارند. برخی از نويسنده ها باتوجه به اين كه وجود مقدس معصومين (ع)، مظاهر اسماء، صفات جلاليه، جماليه، قرب به آنان، زمينه ساز قرب به خداوند، حقيقت دين و روح احكام، شناختن و دارا بودن ولايت آنها است، افزوده كه با اين نگاه می توان گفت كه تمام آيات قرآن در شأن آنها و دوستان ايشان است. (سيد محمد ابراهيم بروجردی، تفسير جامع، ج۱، ص: ٤۱- ۳۸) مرحوم

آیت الله معرفت با اشاره به وجود رواياتي فراواني در فضايل اهل بيت(ع) افزوده که فضائل آنان، در ضمن مفاهیم آیات قرآن از دیده‌ها پنهان مانده، مقصود از روایات ربع، بیان انواع آیات قرآن بوده است و این که بخش عظیمی از قرآن در شأن ولایت آنان، نازل شده است. (محمد هادی معرفت، صیانة القرآن من التحریف،ص۲٤۰.) دکتر نجار زادگان، با اشاره به دو واژه «اقراء» (در لغت به معنای، «به سخن آوردن» است (ابراهیم انیس عبد الحلیم منتصر، المعجم الوسیط، ماده‌ی «ق. ر. أ» ص ۷۲۲.)) و «تنزیل» (واژه‌ی «تنزیل»، به معنای فرود آوردن (انیس ص۹۱٤)شامل وحی قرآنی و غیر قرآنی، که به آن وحی تفسیری می‌گویند، می‌شود.) و سقوط برخي از معارف قرآني و این که مراد از سقوط، تفسیر و تاویل و یا معاني بطني آیات است نه اصل آیات، (معنای «اقراء» در زمان رسول اکرم(ص) ، تعلیم تلاوة الفاظ آیات همراه با تعلیم معنای آنها بوده است. پس از رواج یافتن فراگیری قرآن، تنها به معنای تعلیم معنای آیاتی به کار رفت که نیازمند به تفسیر باشد.(تحریف ناپذیری قرآن(نجار زادگان)، ص: ٤٥) به طور نمونه بن مسعود درباره‌ی آیه‌ی ٦۷ مائده می‌گوید: ...بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ- إنّ عليّا مولی المؤمنين- ... هكذا كنّا نقرء الآية على عهد رسول اللّه(ص) (الدر المنثورج ۲، ص ۱۳۱ اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۲۱۹.). مراد بن مسعود این است که آیه‌ی شریفه را در مقام تعلیم الفاظ و معانی چنین می‌خواندیم؛ تا آن که خلفا قرآن را از تفسیر پیامبر(ص)تجرید کردند.(طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ٤، ص ۲۰٤؛ محمد بن سعد منیع، ج ٥، ص ۱۸۸، شمس الدین ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷.) و با گذشت زمان بر سر تأویل (مراد آیات) و تنزیل (مورد نزول آیات و تفسیر آنها) اختلاف کردند.(قاسم بن سلام،فضائل القرآن،ص٤٥).(نجار زادگان، تحریف ناپذیری،٤۹- ٤٤)) افزوده که مراد معصوم (ع) از این نوع روایات(ربع)، بیان نشانه‌های ویژه و صفات روشن اهل بیت (ع) در قرآن است. (ر.ک. فتح الله نجارزادگان(محمدی)، تحریف ناپذیری قرآن(نجار زادگان)، ص۸۲.) نامبرده با استناد به حدیث مشهور از پیامبر(ص): إنّ منكم من يقاتل على تأويل القرآن كما قاتلت على تنزيله؛ (احمد بن شعیب نسائی، خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، ص ١٦٦، رقم ١٥٦.) چنین نتیجه گیری نموده که مراد از این روایات، اینست که ربع تأویل قرآن درباره‌ی عترت است. (تحریف ناپذیری قرآن(نجار زادگان)،

ص: ۸۳ .)

تحلیل ضابطه مند از مفاد روایات تربیع:

از آنچه در باره مفاد روایات گفته شد بدست آمد که مراد از ربع قرآن، تخمین بوده نه تقسیم حقیقي و نیز به کیفیت حضور اهل بیت(ع) در قرآن، اشاره شد و نحوه این حضور، ازباب تفسیر، بطن، تاویل، جری و تطبیق است. در رابطه با حضور اهل بیت(ع) در قرآن، به دسته بندي روایات و قاعده مندسازي، کم توجه شده است. زبرا علاوه بر دسته بندي روایات، و غني سازي قاعده جري و تطبیق از برخي از زیارات مانند زیارت جامعه کبیره، در تفسیر، جري و تطبیق آیات بیشتر، بر اهل بیت (ع)، نیز می توان بهره، گرفت. طبق این روش، چنانکه ملاحظه خواهد شد، آیات زیادي در دائره آیات مناقب اهل بیت (ع)، قرار خواهد گرفت. به گونه که مي توان ادعاي حقیقي بودن این تقسیم بندي و این که یک چهارم آیات، در مدح، ستایش، جایگاه و حقوق اهل بیت(ع)، است، را نمود. جهت سامان بخشي به این امر، تفسیر کنزالدقائق، مرحوم میرزا محمد مشهدي، از سوره مبارکه حمد تا سوره ناس، مورد بررسي قرارگرفت. (محمد عارف کاشفی، بطن، تاویل و تربیع قرآن کریم در مکتب اهل بیت(ع) با رویکرد بررسی شبهات قفاری (رساله دکتری)فصل دوم.) روایات که آیات را به نحوي به اهل بیت (ع)، مرتبط دانسته، جمع آوري و دسته بندي گردید. جهت ارائه تصویر دقیق از نشانه‌های ویژه و صفات روشن اهل بیت علیهم السّلام، در قرآن، مي توان در روایاتي که در ذیل آیات نقل شده درنگ کرد.

تربیع براساس معانی عرفی:

گفتیم یکي از منابع متقن و معتبر در باره مفاد آیات، روایات منقول از طریق فریقین است. این روایات، به گونه هاي تفسیري، بطني، (یا همان تاویل)، جري و تطبیقي و تعیین مصداق، تقسیم پذیرند.

حضوراهلبیت(ع)، در قرآن از باب تفسیر آیات. (تعریف تفسیر: بیان مفاد استعمالي آیات و آشکار نمودن مراد خداي متعال از آن بر مبناي ادبیات عرب و اصول عقلایي محاوره.)

آیاتی فراواتی با توجه به محتوي و نیز روایات رسیده در شأن نزول آنها، تنها به اهل بیت(ع) تفسیر پذیرند. طبق بررسي انجام شده در تفسیرکنز الدقائق وغیر آن، آیات زیادي، به این مقوله مرتبط است. آیات...فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ...(آل عمران، ٦١)،... (محمد بن محمدرضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارت ارشاد،تهران، ط۱ ، ١٣٦٨ ش، ج ۳، ص ١١٦.) وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.. (نساء ٥٩)، ... (همان، ج ۳، ص ٤٣٧.) وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ، (نساء۸۳)، به آل محمد(ع)تفسیرشده است. (همان، ج ۳ ص ۴۹۳.) وآیاتی با این ویژگی زیادند. (محمد بن محمدرضا قمی مشهدی، همان ج۳ ص ۱۲، ج٤ ص ١١٥، و ١٣٦، ج٦ ص ٤٨١، ج١٠ ص ٣٧٤، ج١ ص ٥٠٥، و ٦١٣، ٤٦٨، ج ۳ ص ٣٤، ج٢ ص ٤٥١، محمود زمخشری، الکشاف ج٤، ص ٢٢٠، فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج٢٧، ص: ٥٩٥، محمد بن محمد رضا قمي مشهدي، همان، ج١١، ص: ٥٠٢، ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن،ج٦، ص: ٢٧٠، مشهدي، همان، ج٨، ص: ٣٨٨، مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج٢، ص: ١١٦، محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج٥، ص١٢٤، تفسیر کنز الدقائق، ج٥، ص: ٣٤٤، سیوطي، الدر المنثور ج٢، ص: ٢٩٣.) براساس منابع اهل سنت،بیش ازسیصد آیه به معصومین(ع)، قطع نظر از بطن و تاویل، تفسیر شده است. (ر.ک. مؤمن بن حسن شبلنجی، نور الأبصار في مناقب آل بیت النبي المختار صلی الله علیه و آله و سلم، ص: ١٦٤ ترجمة الإمام علي من تاریخ ابن عساکر: ج٢، ص۳۱. ابراهیم بن سلیمان قندوزی، ینابیع المودة لذوي القربی، ج٢، ص: ٤٠٦.)

حضور اهل بیت (ع) در قرآن از باب جری و تطبیق(بطن عرفی)

مراد ما از جری وتطبیق این است که آیه یا آیات قرآن مشخصا در مدح و ستایشي کسي دیگري باشد اما به جهت وجود ملاک و مناط مدح، بر دیگران نیز قابل جری وتطبیق باشد. مانند آیه «وَ السَّلامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيّاً»(مریم، ۳۳) که در باره حضرت عیسي (ع) است. مناط منقبت قرآني حضرت عیسي(ع) عصمت و طهارت آن حضرت بوده است. بر اهل بیت (ع) نیز به جهت وجود همین مناط و ملاک (برخي از ادله مناط: – عن محمد بن مسلم

قال: قال أبو جعفر ع يا محمد إذا سمعت الله ذكر أحدا من هذه الأمة بخير فنحن هم ...(عياشي،التفسير، ج۱، ص: ۱۳) این امر اختصاص به زمان حضور معصوم(ع) ندارد بلکه در همه ازمنه فرا گیر است.

- عنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: «نَحْنُ أَصْلُ كُلِ خَيْرٍ، وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلُّ بِرٍّ،(کلینی،الکافي(دارالحدیث)، ج۱۵، ص: ۵۵۳) - و ما من آية تسوق إلى الجنّة إلّا و هي في النبيّ و الأئمّة(ع) و في أشياعهم و أتباعهم. . . و إن كانت الآياتفي ذكر الأوّلين فإنّ كل ما كان فيها من خير فهوجار في أهل الخير (اعتقادات الإمامية و تصحيح الاعتقاد، ج۱، ص: ۸۸.)) نیز قابل جري و تطبيق است. موضوع جري وتطبيق ، گونه هاي متعدد دارد. گاهي در روايات مصداق آيات بيان شده است.گاهي در سيره عملي ائمه (ع)آيات بر نمونه هاي خارجي تطبيق شده است.

در روایات فراوان، بخشي از آياتي از سوره دهر (سوره دهر آیات ۵ تا ۲۲ : إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا(۵)... وَ كَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا(۲۲).) به اهل بیت(ع) تفسیر شده است. (ر.ک. فخر رازی در التفسیر الکبیر، ذیل همین آیه، قاضی بیضاوی در انوار التنزیل، سیوطی در الدّر المنثور، ابوالفداء تاریخ ابی الفداء ج ۱، ص ۱۲٦.، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹۱. به نقل از زينلي، شيعه شناسی و پاسخ به شبهات ؛ ج۱ ؛ ص٤٤، جایگاه اهلبیت(ع)در سوره دهر از منظر فریقین، بشوي محمدیعقوب، مجله، طلوع-پاییز ۱۳۸۵، شماره) بر اساس همین آیات، هرآنچه از ویژگیهای انسان هاي برگزيده خداوند در قرآن ذکر شده و در روایات بر اهل بیت(ع) تطبیق نگردیده را، با استناد به آیه تطهیر و بخشی ازسوره دهرو...،نیز مي توان بر اهل بیت(ع) تطبیق نمود.

از باب نمونه آيات«اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيم»(حمد٦). (محمد حسين علامه طباطبايي ، الميزان في تفسير القرآن، ج۱، ص:٤١.) «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»(بقره،۳) ، (پیشین، الميزان في تفسير القرآن، ج۱، ص٤٧.) «...جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»(انعام ۱۲۲)، (الميزان فی تفسير القرآن، پیشین، ج ۷، ص ۳٤۸.) «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلْنا مِنَ الْبَيِّناتِ وَ الْهُدى» (پیشین، الميزان في تفسير القرآن، ج۱، ص ۳۹۲.) «...ثَواباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ

الثَّوابِ»(آل عمران۱۹۵)، «وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرارِ»(آل عمران۱۹۸) (تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۳، ص: ۲۹۸) و... (آل عمران ۱۹۵ الميزان ج ٤، ص ۹۱، بقره۱۸۹، ج ۱، ص ٤٤٩، مريم۱۳، ١٤، ١٥، ٣١، ٣٢، ٣٣ و...) بر اهل بيت(ع)تطبيق شده است. با توجه به محكمات اماميه از قبيل زيارت جامعه و ديگر زيارات، روايات همسو و نيز طبق قاعده جري و تطبيق مي توان آيات فراواني را از آيات فضايل اهل بيت(ع) دانست. با توجه به معصوم بودن امامان(ع)، آنان، مصداق اتم همه خوبي هاي قرآن، اند. پيروان و محبان اهل بيت(ع) در گستره تاريخ، نيز مصداق خوبي ها هستند. با اين نگاه پذيرش اخبار بخش قرآن(روايات ربع)، سهل خواهد بود.

حضور اهل بيت (ع)از باب تعيين مصداق:

يكي از ابعاد حضور اهل بيت(ع) در قرآن، از باب تعيين مصداق است. مصداق در لغت به معناي «ما يدل علي صدقه» و در اصطلاح به مجموع اشياء عيني كه معنا و مفهوم دال بر آنهاست، گفته مي شود. ()مهيار رضا، فرهنگ ابجدي، قم، انتشارات اسلامي، ۱۳۷۱ش، ص ۸۱۸.خاتمي احمد، فرهنگ علم كلام، تهران، صبا، ص ١٠٤. يكي از شيوه هاي توضيح آيات قرآن كريم، مصداق يابي و بيان نمونه هايي خارجي است.

مراد ما از مصداق، در اينجا مواردي است كه آيات شأن نزول ندارد، مانند آيه...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.(بقره۱۹۵)خداوند، نيكوكاران را دوست مي‌دارد. طبق روايات فراوان، اهل بيت(ع)، مصداق عام آيات زيادي از قرآن است.بدين معنا كه محتواي آيه قابل تطبيق بر مصاديق متعدد با درجات متفاوت است.

برخی از نمونه‌های تعیین مصداق عبارتند از: ذیل آیه...وَبِالْوالِدَيْنِ إِحْسانا..، ۸۳ بقره، ...رسول خدا(ص) فرمود: أفضل والديكم وأحقّهمابرّكم، محمّد و علی. با فضيلت‌ترين و سزاوارترين والدين شما به بر و نكويي، محمّد و علی (ع) هستند. (تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ٢٨٦) ذيل آيه أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره، ۱۷۷)، مصداق اتم اين آيه، علي(ع) و فرزندان طاهرين حضرت اند. (همان، ج ۱، ص ٢٢٦.) طبق حديث واردشده

از رسول اکرم(ص) ذیل آیه (آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ ..)، علي عليه السلام خير المومنين، خوانده شده است. (همان، ج ۱، ص۶۹۰.) و... (ر.ک. بقره آیات ۲، ۳، ۲۵ ، ۱۴۸، ۱۸۵، کهف آیات ۲ و ۳۱ مریم آیات ۶۳، ۸۵ و...)

تربیع بر اساس معانی فرا عرفی:

بر اساس تعاریف بطن و نیز روایات، باطن قرآن، در دو قالب عرفي و فراعرفي، مي گنجد. برخي از معاني و مصاديق نهاني آيات، با رعايت معيارهاي قواعد زباني قابل دست يابي است. به این نوع معانی، باطن عرفی گفته می شود. به نوع دیگری از معانی باطنی که طبق قواعد و اصول عقلایی محاوره قابل دست یابی نیست، فراعرفی استعمال می شود. این گونه معانی تنها از طریق روایات معتبر، قابل پذیرش است. (ر.ک.سیدرضامودب و آخوندي،علمي پژوهشي مطالعات تفسيري ش۱۳، بابايي،علوم حديث ش۴۲،امام خميني كشف الاسرارص۳۲۲.)

برخی از نمونه ها فراعرفی: –در منابع روايي امامیه ذیل آیه: وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...(انفال۱۱): و آبي از آسمان برايتان فرستاد. آمده: مراد از «السّماء» در باطن، رسول اللّه(ص) و مراد از «الماء» علي (ع) است. (عزیز الله عطاردی، مسند الإمام الباقر عليه السلام، ج۳، ص: ۶۰، مسند الإمام الصادق ج۷ ،۲۵ ، تفسير كنز الدقائق ج۵، ص: ۲۸۹.) اين معنا، از نوع معاني باطني فراعرفي شمرده مي شود. طبق روايتي ذيل آيه وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى«الليل۱و۲»، مراد از آيه اول، دوران حكومتی بود كه امير المومنين(ع) برآن صبر نمود. و مراد از آيه ذوم، دوران ظهور و حكومت منجی عالم بشريت است. (تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۱۴، ص: ۳۰۴) اين محتوى نيز از مصاديق فراعرفي است. (تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۱۴، ص: ۳۰۴)

با توجه به این گونه های از حضور اهل بیت(ع) در قرآن و ارائه برخی از نمونه ها، می توان چنین اظهار نمود که پذیرش مفاد روایات ربع، با این نگاه و شیوه، امری معقول بوده و رد آن، بدون دلیل است. در عین حال، انظار مخالفی نیز وجود دارد. این مخالفان، به دو دسته تقسیم می شوند. برخی از آنها، اصل حضور اهل بیت(ع) در قرآن را قبول ندارند مانند قفاری که دیدگاه او

در مقاله دوم، به طور تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد. دسته دیگر، پژوهشگرانی از شیعه هستند که آنان اصل حضور اهل بیت(ع) در قرآن، را قبول دارند اما نسبت به صدورچنین روایات و محتوای آنها، تشکیک می نمایند.

مخالفت برخی از پژوهشگران شیعی و نقد آنها:

جمعي از پژوهشگران معاصر نسبت به صدور چنین روایاتي ابراز تردید نموده اند. (علامه عسكري، القرآن الكريم و روايات المدرستين، ج۳، ص ١٦٨،شاکر، روشهای تأویل قرآن،ص۱۵۳،ميلاني، التحقيق في نفي التحريف عن القرآن، ص،۷۷، سید عبدالله شبر، مصابيح الأنوار ج۲ صص ٢٩٤- ٢٩٥. محمد باقر حكيم، علوم القرآن ص: ۱۲۲،) در نقد آنها می توان چنین گفت که این روایات، منحصر در منبع خاص نبوده بلکه از طرق متعدد و منابع مختلف، نقل شده است. این که در برخی از طرق، راوی سني است، در صورت وثاقت، خالي از اشکال است. روایات هم نوا و سازگار با این احادیث، در منابع فریقین زیاد وجود دارد. از جهت مفهومی، با قرآن، هیچ گونه تضادي ندارد بلکه سازگاري دارد. هیچ گونه بوي تحریف نیز از این روایات، به مشام نمي رسد. زیرا این روایات، از باب تفسیر، تاویل، جري و تطبیق، و ذکر اوصاف خوبان در قرآن به معصومین(ع) نظر دارد. دکتر شاکر در خصوص روایت حنظله ترجمه صحیح، ارائه نداده است. وی در نتیجه گیري نیزدچاراشتباه شده است. (شاکر، روشهای تأویل قرآن،ص۱۵۳،) توضیح مطلب این است که طبق روایات فراوان ذیل آیه ٤٣رعد، مراد از «من عنده علم الكتاب»، علی(ع) است. (شیخ کلینی، الكافي(اسلامیه)، ج۱، ص: ۲۲۹ و ۲۵۷،) امام صادق (ع) با مسلم دانستن این مسئله، فرموده که نظائر این آیه، از سوره حمد تا ناس، وجود دارد که در وصف و مدح اهل بیت(ع) است. معنای این روایت این نیست که تمام قرآن در باره آنان است.

اما راه جمع بین دو دیدگاه،(موافقان وناقدان روایات ربع) به است که هریک از آن دو گروه، حضور جدی معصومین(ع) در قرآن، از باب تفسیر، باطن، تاویل، جري و تطبیق پذیرفته اند. چنان که در دیدگاه موافقان بیان شد. آن دسته از عالمان شیعه که صحت این گونه روایات را مورد

تشکیک قرار داده اند، با دیدگاه موافقان این احادیث مبني بر نزول آیات فراوان در باره اهل بیت(ع)، از لحاظ تفسیر و. . . دیدگاه همسان دارند. (تحریف ناپذیری قرآن(نجار زادگان)، ص ۸۲) در نتیجه اختلاف عنوان شده، لفظي بوده نه محتوایی.

در توجیه ناسازگاري ظاهري روایات ربع و ثلث (در این مقاله، گنجایش طرح روایات ثلث، نیست.) و جمع دلالي آنها می توان به این نکات اشاره نمود:

- روایات اهل بیت (ع) صعب و مستصعب است. لذا به جهت ناسازگاري ظاهري، نمی توان این روایات را رد کرد. زیرا شاید راه حلي براي فهم این روایات وجود دارد که ما به جهت غیبت امام معصوم(ع) از آن محروم هستیم و با ظهور حجت خدا، تمام معانی قرآن، آشکار و معناي این روایات نیز روشن شود.

– ممکن است «روایت ربع» حمل بر حقیقت و روایت ثلث بر تخمین گردد. (محمدتقی مجلسی، روضة المتقین ج۱۳ص۱۳۷.)

- مراد از اعداد ارائه شده در روایات، تخمین بوده نه دقیق ریاضي، بر این اساس، تفاوت بین ارقام و حصص، از جهت قلت و کثرت، طبیعي و پذیرفته شده است.

- بر فرض صدور روایات ثلث و پذیرش آنها، احتمال می رود که مراد از ثلث، اعم از بطون عرفي و فراعرفي باشد. اما در روایات ربع، فقط بطون عرفي «جري و تطبیق» و تعیین مصداق، مورد نظر بوده است.

– ممکن است که صدور روایت ثلث، بعد از تعجب مخاطب از شنیدن روایت ربع باشد. معصوم (ع) جهت رفع تعجب او، مي فرماید نه تنها ربع بلکه ثلث قرآن در باره ما است. مراد از ثلث، بخش فراعرفي باشد.

- فرضیه حذف معارف وحیاني تفسیر و تجرید قرآن کریم از روایات فضایل معصومین(ع) که قبلا گذشت، نیز می تواند دلیلی بر رفع ناسازگاری ظاهری این روایات، باشد. بدین معنا که اگر آن روایات که ذیل آیات در مناقب اهل بیت(ع) بود، مکتوب مي ماند، اثبات روایات ثلث بلکه بالاتر از آن امکان پذیر مي گردید.

- احتمال دارد که روایات ربع ناظر به ولایت، مدح و ستایش و اوصاف مخصوص امامان(ع)

بوده و روایات ثلث، علاوه بر ائمه(ع) مناقب و فضایل پیروان و شیعیان اهل بیت(ع) را در بگیرد.

سخن پایانی این که این روایات به بیان مقام معنوي، اوصاف، ویژگیهاي رهبران راستین و انسان هاي برگزیده خداوند یعني اهل بیت پیامبر(ص) مناقب و فضایل آنان جهت هدایت جامعه بشري اختصاص یافته است. غرض از اخبار این چنیني، آگاهي دادن از واقع، تاکید بر ولایت پذیري و برائت از دشمنان خدا و رسول و اهل بیت ع، پند پذیري از عبرت ها وامثال، عمل به فرائض و دستورات قرآن کریم است.

بر اساس اسناد، مدارک و اصول علم رجال، این نتیجه حاصل شد که روایات تربیع آیات قرآن کریم از نظر سند مورد پذیرش است. و از نظر دلالت، اکثر قریب به اتفاق دانشمندان، دیدگاه تخمین را پذیرفته اند. کیفیت حضور اهل بیت(ع) در قرآن، و ارتباط بخشی عظیمی از آیات، به مدح و امامت آنان، از باب تفسیر، بطن، تاویل، جری و تطبیق، می باشد. شبهات مطرح شده در باره این روایات، از سوي دکتر ناصر قفاري،در مقاله دیگر، بررسي مي شود.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن حنبل، **مسند الامام احمد بن حنبل**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم(ابن‌ابی‌حاتم)، مکتبة نزار مصطفی الباز،عربستان، ط۳، ۱٤۱۹ق.

ابن أبي جمهور، محمد بن علي زين الدين، **عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية**، ٤جلد،دارسيد الشهداء،قم،ط۱، ۱٤۰۵ق.

ابن المغازلي،علي بن محمد الشافعي،مناقب الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب،تحقيق،المحمودي،دار الأضواء،بيروت،۱٤۰۳ق.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم «**الاکلیل**»، مجموعة الرسائل الکبري، بیروت، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم **مجموعة الفتاوی**، اعداد: محمد بن عبد الرحمن قاسم العاصمي، بی‌تا، بی‌جا.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **مقدمة في أصول التفسیر**، دار مکتبة الحیاة، بیروت، بی‌تا.

إبن حجر الهیتمي، مکّی احمد بن محمّد بن محمّد بن علی بن حجر، الصّواعق المُحرقة ، تحقیق عبدالرحمان بن عبدالله ترکی و کامل محمّد خرّاط، مؤسسه رسالت، بیروت، ط۱، ۱٤۱۷ق.

ابن داوودحلي، حسن بن علي، **رجال**، به کوشش سیدمحمّدصاق آل بحرالعلوم، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.

ابن شاذان، محمد، **مائة منقبة من مناقب أميرالمؤمنين والأئمة من ولده(ع)من طريق العامة**،مدرسة الإمام المهدی؛ قم، ط۱، ۱٤۰۷ق.

ابن عساکر، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة اللّه، **تاريخ مدينة دمشق**، تحقيق، علي شيري، بيروت، ۱٤۱۵ق.

ابن عطیه جمیل حمود، **أبهى المراد في شرح مؤتمرعلماء بغداد**، ۲جلد، مؤسسة الأعلمي،بیروت،ط۱، ۱٤۲۳ق.

ابن مردويه، أحمد بن موسى، **مناقب علي بن أبي طالب و ما نزل من القرآن في علي**، جمع:حرز الدين،دار الحديث، قم، ١٤٢٢ق.

ابن منظور محمد بن مكرم، **لسان العرب**، دار صادر - بيروت، چاپ سوم، ١٤١٤ ق.

احمد بن حنبل شيبانى، **مسند**، دار احياء التراث العربى و دار صادر، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ١٤١٥ق.

احمدى ميانجى، على، **مكاتيب الرسول صلّى الله عليه و آله و سلّم** - ايران؛ قم، چاپ: اول، ١٤١٩ق.

اربلى، على بن عيسى، **كشف الغمة في معرفة الأئمة** (ط - القديمة)، ٢جلد، بنى هاشمى،تبريز،ط١، ١٣٨١ق.

استادي، رضا ، **اهل بيت رسالت در تفسير طبري**، كيهان انديشه ، مرداد و شهريور ١٣٦٨، شماره ٢٥.

اسعدي ، محمد و همكاران؛ **آسيب‌شناسي جريان‌هاي تفسيري**؛ انتشارات حوزه و دانشگاه، ١٣٨٩،

اسعدي محمد و سيد محمود طيب حسيني، **پژوهشي در محكم و متشابه**، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه، ١٣٩٠ش.

آصفي محمد مهدى، **پژوهشي در آيه تطهير** ، قم دفتر نشر معارف اسلامى ١٣٧٣

آلوسى سيد محمود، **روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم**، دارالكتب العلميه،بيروت، ط١٤١٥،١ ق.

امام خميني، روح الله، **تفسير سوره حمد** موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره)، تهران، ١٣٧٥ش.

آملى سيد حيدر، **تفسير المحيط الأعظم و البحر الخضم**، وزارت ارشاد اسلامى - تهران، ط٣، ١٤٢٢ ق.

بابايى على اكبر، **چيستى باطن قرآن كريم از منظر روايات** (١) علوم حديث ش٤٢، باطن قرآن كريم، معرفت، شماره ٦،

بابايي علي اكبر، محمد كاظم شاكر و مصطفي كريمي، **باطن و تاويل قرآن**، مركز پژوهش هاي فرهنگي حوزه علميه، ١٣٨١ش.

بابايي علي اكبر **باطن قرآن كريم**، مجله معرفت، شماره ٦، مؤسسه آموزشى پژوهشى امام خميني، قم

بابايي علي اكبر **مكاتب تفسيرى**، ٢جلد، سمت/پژوهشكده حوزه و دانشگاه - تهران، چاپ: اوّل، ١٣٨٦/١٣٨١.

بابايي علي اكبر، **پرسمان عصمت شرحي بر آيه تطهير**، بابايى على اكبر، پرسمان عصمت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩٠ش، ط ٢.

بحرالعلوم، سید مهدي، **رجال بحرالعلوم** (فوائد الرجالية)، تهران: مكتبة الصادق، چاپ اول، ۱۳٦۳.
بحرانی سیدهاشم ، **البرهان فی تفسیر القرآن**، اسماعیلیان،.
بحريني سيد مجتبي، **جامعه در حرم**، تهران مركز فرهنگي انتشاراتي منير ۱۳۸٦، چاپ دوم.
برقي، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد، **الطبقات** (رجال البرقي)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
بروجردی سید حسین، **تفسیر الصراط المستقیم**، موسسه انصاریان – قم، چاپ اول، ۱٤۱٦ ق.
بروجردی سید محمد ابراهیم، **تفسیر جامع**، انتشارات صدر – تهران، چاپ ششم، ۱۳٦٦ ش.
بغوی حسین بن مسعود، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، داراحیاء التراث العربی – بیروت، چاپ اول، ۱٤۲۰ق.
بهبهاني وحيد، محمد باقر بن محمد اكمل، **التعليقة علي منهج المقال**، چاپ سنگي قديمي.
ترابي شهررضايي، اكبر، **پژوهشي در علم رجال**، قم،اسوه ، ط۱، ۱۳۸۷ش.
ثعلبی نیشابوری ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، **الكشف و البيان عن تفسير القرآن**،دار إحياء التراث العربي،بيروت، ط۱، ۱٤۲۲ ق.
ثقفي، ابراهيم بن محمد بن سعيد، **الغارات أوالإستنفار و الغارات**، ۲جلد،دارالكتاب الإسلامي،قم، ط۱، ۱٤۱۰ق.
محمديعقوب، **جايگاه اهلبيت(ع)در سوره دهر از منظر فريقين**، بشوي مجله، طلوع-پاييز ۱۳۸۵، شماره ۱۹.
جرجانی ابو المحاسن حسین بن حسن، **جلاء الأذهان وجلاء الأحزان**، انتشارات دانشگاه تهران – تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
جلالي سهيلا، **اهل بيت در تفسير كشاف** ، بينات، شماره۱۹.
جوادي آملي عبد الله، **ادب فناي مقربان** ، اسراء، تحقيق، محمد صفايي ۱۳۸۹ش.
جوادي آملي عبد الله، **تفسيرتسنيم قرآن كريم**، نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.
الحاكم النيسابوري، أبو عبد اللّه، **المستدرك على الصحيحين**، تحقيق: يوسف عبد الرحمن، دار المعرفة، بيروت.
حاكم نيشابوري، **المستدر ک علي الصحيحين**،تصحيح مصطفي عبدالقادر، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱٤۱۱ق.

حامد پور رستمي، **تجلي مرتبت اهل بيت(ع)در قرآن در آينه نهج البلاغه**، مطالعات تفسيري، (نشريه علمي-پژوهشي) ش ۳.

حبری کوفی ابو عبدالله حسین بن حکم، **تفسیر الحبری**، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث - بیروت، ط۱، ۱٤۰۸ ق.

حر عاملی، **إثبات الهداة**، ۵جلد، مؤسسة الأعلمي - بيروت، چاپ: اول، ۱٤۲۲ق.

حر عاملي، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**، مؤسسة آل البيت، قم، ۱٤۱۲ ق.

حسکانی عبید الله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ط۱ ،۱٤۱۱ق.

حسنی أبوالمکارم محمود بن محمد، **دقائق التأویل و حقائق التنزیل**، نشر میراث مکتوب - تهران، ۱۳۸۱ ش.

حسینی استرآبادی سید شرف الدین علی، **تأویل الآیات الظاهرة**، دفتر انتشارات اسلامی،قم، ط۱، ۱٤۰۹ ق.

حسینی جرجانی سید امیر ابوالفتوح، **آیات الأحکام(جرجانی)**، انتشارات نوید - تهران، ط۱، ۱٤۰٤ ق.

حسینی فیروزآبادی، محمد، **منتهی العنایة في شرح الکفایة**، انتشارات فیروز آبادی-قم، ط۱، ۱٤۱۸ ق.

حسيني سيد طيب، مقاله، **تنزيل و تأويل در معناي راسخان در علم**، نشريه علوم حديث شماره ۵۷.

حکیم، محمدباقر، **علوم القرآن(حکیم)**، ۱جلد، مجمع الفکر الاسلامی - قم، ط۳، ۱٤۱۷ق.

خطيب بغدادي، احمد بن علي، **تاريخ بغداد**، تحقيق، عطا، مصطفي عبدالقادر، دار الكتب العلميه، بيروت.

خویی آیت الله سید ابو القاسم بن سید علی اکبر (۱۳۱۷-۱٤۱۳ق) **معجم رجال‌الحدیث**، بي تا و بي نا

خوئي، سيد ابوالقاسم موسوي، **معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الروات**، قم: مركز نشر آثار الشيعة، بي‌تا.

دیلمی، حسن بن محمد، **غرر الأخبار و درر الآثار في مناقب أبي الأئمة الأطهار(ع)**،دلیل ما، قم، ط۱، ۱٤۲۷ق.

ذهبی شمس الدین ابی عبدالله محمّد،**میزان الإعتدال فی نقد الرجال**،دار المعرفه ودار الکتب العلمیه،بیروت،ط۱، ۱۳۸۲ق.

ذهبی محمد حسین، **التفسير والمفسرون بحث تفصيلي عن نشأة التفسير**، دار احياء التراث العربی،بیرورشیدالدین میبدی احمد بن ابی سعد، **كشف الأسرار و عدة الأبرار**، انتشارات امیر کبیر- تهران، ط۵، ۱۳۷۱ ش.

راغب اصفهانی حسین بن محمد، **المفردات في غريب القرآن**، دارالعلم، دمشق -بیروت، چاپ اول، ۱٤۱۲ق.

رومي فهد بن عبد الرحمن بن سليمان **بحوث في اصول التفسير و مناهجه**، رياض، مكتبة التوبة، ۱٤۱۳ش.

زرقانی محمد عبد العظیم ، **مناهل العرفان في علوم القرآن**، ۲جلد، دار احیاء التراث العربی - بی‌جا، بی‌نا،

زرکشی محمد بن عبد الله ، **البرهان في علوم القرآن**، ٤جلد، دار المعرفة - بیروت، ط۱، ۱۹۹۰/۱٤۱۰.

زمخشری محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، دار الكتاب العربي - بیروت، ط۳، ۱٤۰۷ ق.

السعيد شنوقة، **التأويل في التفسير بين المعتزلة و السنة**، ۱جلد، المكتبة الازهريه - القاهرة، چاپ: بی‌نا، بی‌تا.

سیدرضامودب و آخوندي، **بررسي دانش تفسيري ويژه اهل بيت(ع)**، فصلنامه علمي پژوهشي مطالعات تفسيري ش۱۳،

سیوطی جلال الدین ، **الإتقان في علوم القرآن**، ۲جلد، دار الكتاب العربی - بیروت، ط۲، ۲۰۰۱/۱٤۲۱.

سيوطي عبد الرحمن بن ابي بكر ، **الدر المنثور فی تفسير المأثور**، كتابخانه آية الله مرعشی نجفی - قم، ۱٤۰٤ق.

سيوطي عبد الرحمن بن ابي بكر، **تاريخ الخلفاء تحقيق**: صالح، ابراهيم، ، دار صادر، بيروت، بی تا.

شادي نفيسي، **مباني جري و تطبيق از ديدگاه علامه طباطبايي**(ره) دوفصلنامه علمي- پژوهشي قرآن شناخت، ش۱۲.

الشافعي، محمد بن طلحة، **مطالب السؤول في مناقب آل الرسول**، تحقيق: ماجد بن أحمد العطيّة، مؤسسة أم القرى، بيروت، ۱٤۲۰ق

شاكر محمد كاظم ، **مبانی و روشهای تفسیری(شاكر)**، ۱جلد، مركز جهانی علوم اسلامی- قم، ط۱،

.۱۳۸۲
شامي، يوسف بن حاتم، **الدر النظيم فی مناقب الأئمة اللهاميم**، ۱جلد، جامعه مدرسين- قم، ط۱ ، ۱٤۲۰ق.
شبلنجي، مومن، **نور الابصار في مناقب آل بيت النبي المختار صلي الله عليه و آله**، الشريف الرضي، قم، بي تا.
شريف الرضی، محمد بن حسين، نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ۱جلد، هجرت – قم، ط۱ ، ۱٤۱٤ ق.
شوشتري، محمّد تـقي، قـاموس الرجال، چاپ سوم، قم:مـوسسة النـشر الإسلامي، ۱٤۲٤ق.
شوكانی محمد بن علی، فتح القدير، دار ابن كثير، دار الكلم الطيب – دمشق، بيروت، ط۱ ، ۱٤۱٤ ق.
شيخ صدوق الاعتقادات، ۱جلد، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد – قم، چاپ: دوم، ۱٤۱٤ق.
شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ٤جلد، جامعه مدرسين – قم، چاپ: دوم، ۱٤۰٤ ق.
صادقی تهرانی محمد، الفرقان فی تفسير القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی – قم، چاپ دوم، ۱۳٦٥ ش
صالحي انديمشكي، محمد، القرآن و فضائل اهل البيت عليهم السلام ، ذوي القربي، قم، سال ۱۳۸۳ش.
صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمّد(ص)، مكتبة آية الله المرعشي؛ قم، ط۲، ۱٤۰٤ق.
طباطبائی سيد محمد حسين ، قرآن در اسلام، ۱جلد، دار الكتب الاسلاميه – تهران، چاپ: دوم، ۱۳٥۳.
طباطبايی سيد محمد حسين، الميزان فی تفسير القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱٤۱۷ ق.
طباطبايي سيد حيدر، بطن قرآن از ديدگاه شيعه و اهل سنت، انتشارات جامعة المصطفي العالمية.
طباطبايي سيد حيدر، پژوهشي تطبيقي در بطون قرآن از منظر فريقين، انتشارات مركزتحقيقات المهدي (عج)،
الطبراني، أبو القاسم سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، ط. الثانية، ۱٤۰٦ق.
طبرسی فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسير القرآن، انتشارات ناصر خسرو – تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
طبری ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان فی تفسير القرآن، دار المعرفه – بيروت، چاپ اول، ۱٤۱۲

ق.
طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، نوادرالمعجزات في مناقب الأئمة الهداة(ع)، دلیل ما، قم،ط۱، ١٤٢٧ق.
طبري، أبو جعفر محمدبن جرير، تاريخ الطبري، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت، دارالتراث ط ۲، ۱۳۸۷ق.
طبري،أحمد بن عبد اللّه، ذخائر العقبى في مناقب ذوي القربى، تحقيق:أكرم البوشي، مكتبة الصحابة، جده، ١٤١٥ق.
طحاوی مصری حنفی ابو جعفر ، مشکل الآثار: حیدرآباد، سال ۱۳۳۳ق.
طریحی فخر الدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی – تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
طوسی محمد بن حسن الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، ۱جلد، دار الأضواء – بیروت، چاپ: دوم، ١٤٠٦ق.
طوسی محمد بن حسن تلخیص الشافي، ٤ جلد، انتشارات المحبین – قم، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش.
طوسی محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی – بیروت.بی تا.
طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن الفهرست، تحقيق: سيد عبدالعزيز طباطبايي، قم: كتابخانه محقق طباطبايي،ط۱، ١٤٢٠ق.
طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن، الرجال، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، قم: مؤسسه نشر اسلامي،ط۱، ١٤١٥ق.
طوفي، سليمان بن عبد القوي، الاكسير في علم التفسير، تحقيق، حسين، عبد القادر، مكتبه الآداب، قاهره، بي تا.
العاملي، أبو الحسن، مرآة الأنوار و مشكاة الأسرار، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
عبدالجليل بن عبدالكريم سالم، التاويل عندالغزالي نظريه وتطبيقا، ط۱ ، ١٤٢٥ق، قاهره،
عبدالله موحدي محب، نگاهي به تفسير فرات كوفي، آينه پژوهش – بهمن و اسفند ۱۳۷۸ – شماره ٦٠.
عثمان، عبد المنعم فؤاد محمود، قضية التأويل بين الشيعة و أهل السنة، دار المنار، ١٤٢٤ ق.
عراقی ضیاء الدین، نهایة الأفکار، ٤ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٧ هجری قمری.
عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان – قم، چاپ چهارم، ١٤١٥ ق.
العسكري، السيّد مرتضى، القرآن الكريم و روايات المدرستين، دانشكده اصول الدين، قم، ١٤١٦ ق.

عطاردي قوچاني، عزيزالله، مسند الإمام الباقر أبي جعفر محمد بن علي عليهما السلام، عطارد، تهران، ۱۳۸۱ش.
علاءالدّين بغدادي، «تفسير خازن» چاپ مصر، چاپخانه مصطفي محمّد، بی تا.
علامه حلي، حسن بن يوسف خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال، قم: دار الذخائر، ١٤١١ق،

علامه حلي، حسن بن يوسف،رجال العلامة الحلي، ١جلد، دار الذخائر - نجف اشرف، چاپ: دوم، ١٤١١ ق.
علم الهدى، علی بن حسين مرتضى، أمالي المرتضى ، ٢جلد، دار الفكر العربي، قاهره، ط١، ١٩٩٨ م.
عياشي **تفسير عياشي**، تحقيق، تصحيح ، و تعليق سيدهاشم رسولي محلاتي، ٢جلد، ١٣٨٠ق، چاپخانه علميه قم.
غضائري، احمد بن حسين، رجال ابن غضائري، تحقيق:سيدمحمدرضاحسينی جلالي، قم،دارالحديث، ط١، ١٤٢٢ق.
فاضل مقداد ، كنزالعرفان فی فقه القرآن، مجمع جهانی تقريب مذاهب اسلامی، چاپ اول، (١٤١٩ق)
فاضل مقداد الاعتماد في شرح واجب الاعتقاد، ١جلد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ: اول، ١٤١٢ق.
فاضل مقداد، إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين، ١جلد، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشی ره - قم، ١٤٠٥ق.
فخرالدين رازی ابوعبدالله محمد ن عمر، مفاتيح الغيب، دار احياء التراث العربی - بيروت، ط٣ ١٤٢٠ ق.
فيض كاشانی ملا محسن، تفسير الصافی، انتشارات الصدر - تهران، چاپ دوم، ١٤١٥ ق.
قندوزي الحنفي، سليمان بن إبراهيم، ينابيع المودة، تحقيق:سيّد علي جمال أشرف الحسيني، أسوة، بی تا
كلينی، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي (ط - الإسلامية)، ٨جلد، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.
كاشفی محمد عارف، بطن، تاويل، تربيع قرآن كريم در مكتب اهل بيت(ع) (با رويكرد بررسی شبهات قفاری)
كلانتري، ابراهيم قبسات « پاييز ١٣٨٢ - شماره ٢٩ صفحه - از ٢٤٩ تا ٢٦٦).
گنجی شافعی، محمدبن يوسف، كفاية الطالب في علي بن ابيطالب،داراحياء تراث أهل البيت، تهران،ط ٢، ١٤٠٤ق.

مازندراني ابن شهرآشوب محمّـد بن عليّ، مناقب آل أبي طالب،تحقيق يوسف البقاعي،دارالأضواء، بيروت ١٤١٢ق.

مامقاني عبدالله، تنقيح المقال، چاپ سنگي مكتبه المرتضوي في النجف الاشرف ١٣٥٠ق،

مجلسی، محمد باقر،بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ١١١جلد، دار إحياء التراث العربي،بيروت، ط٢، ١٤٠٣ ق.

مجلسی،محمدباقربن محمد تقی،مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول،دار الكتب الإسلاميةتهران،ط٢، ١٤٠٤ق.

مجلسي، محمد تقي ، لوامع صاحبقراني، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.

مجلسي،محمد تقي، روضة المتقين، محقق: سيد حسين موسوي كرماني وعلي پناه اشتهاردي، قم: بنياد كوشانپور، ١٣٩٩ق.

محمّد بن علي اردبيلي، جامع الرواة و ازاحـة الاشـتباهات، قم:كتابخانه آيت اللّه مرعشي‌نجفي، ١٣٠٤ق.

محمدي ري شهري،همكار،احمد غلامعلي، شرح زيارت جامعه كبيره يا«تفسير قرآن ناطق»،دارالحديث١٣٩٣ش.

مسعودي محمد مهدي، رابطه تاويل، بطن و تفسير از منظر آيت الله معرفت «ره» مجله الهيات و حقوق، ش٢٦.

معرفت محمد هادى التمهيد في علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ط٢، ١٤١٥ق.

معرفت محمد هادى صيانة القرآن من التحريف، ١جلد، وزارت امور خارجه - تهران، چاپ: اوّل، ١٣٧٩.

معرفت محمد هادى،التفسير والمفسرون في ثوبه القشيب، الجامعة الرضويه، مشهد، ط١، ١٤١٨ق.

مفيد، محمد بن محمد، صحيح اعتقادات الإمامية، ١جلد، كنگره شيخ مفيد، قم، ط٢، ١٤١٤ق.

مكى محمد،المزار(للشهيدالاول)؛المزار في كيفية زيارات النبيّ والأئمة(ع)،مدرسه امام مهدى(ع)قم،ط١، ١٤١٠ق

المناوي، محمّدعبد الرؤف، فيض القدير، شرح الجامع الصغير، تصحيح: أحمد السلام، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٥ق.

مهيار رضا، فرهنگ ابجدي، قم، انتشارات اسلامي، ١٣٧١ش، ص ٨١٨.خاتمي احمد، فرهنگ علم كلام، تهران، صبا.

موصلي، عمر بن شجاع، مناقب آل محمد(ص)المسمي بالنعيم المقيم لعترة النبأ العظيم، تحقيق،عاشور، الاعلمي،بيروت، ١٤٢٤ق.

ميبدى رشيدالدين احمد بن ابى سعد، كشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امير كبير-تهران، ط٥، ١٣٧١ ش.

نجار زادگان محمدي فتح الله تفسير تطبيقي، مركز جهاني علوم اسلامي، قم ١٣٨٣ش،

نجار زادگان محمدي فتح الله سلامة القرآن من التحريف و تفنيد الافتراءات على الشيعة الامامية، نشر مشعر، تهران، ١٣٨٢

نجار زادگان محمدي فتح الله سلامة القرآن من التحريف، ١جلد، پيام آزادى - تهران، چاپ: اوّل، ١٣٧٨.

نجار زادگان محمدي فتح الله، بررسي تطبيقي مباني تفسير از ديدگاه فريقين، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٩١ش

نجاشي، ابو الحسن احمدبن علي، رجال النجاشي،تحقيق: سيد موسي شبيري زنجاني،انتشارات اسلامي،قم، ١٤٠٧ق.

نسائي، أبوعبد الرحمن أحمد بن شعيب، خصائص أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب، تحقيق:محمدالكاظم المحمودي، قم، ١٤١٩ ق.

نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ٢٨جلد، مؤسسة آل البيت (ع)قم، چاپ: اول، ١٤٠٨ق.

هادي رستگار مقدم گوهر، روش فهم متن ، دفتر تبليغات اسلامي ١٣٨٩ش.

هاشمى خويى،ميرزاحبيب الله،منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة وتكملة منهاج البراعة، مكتبة الإسلامية،تهران، ط٤، ١٤٠٠ ق.

هيثمي المكي، أحمد بن حجر، الصواعق المحرقة ، تخريج: عبد الوهاب عبد اللطيف، القاهرة، بى تا.